



جمهوری اسلامی ایران
ستاد حقوق بشر

شماره ۴

گزارش روشنگرانه با موضوع:

**حق دادرسی در ایران و مجازات
تروریست‌ها**

ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران

(بهمن ماه ۱۴۰۴)

اللَّهُمَّ ارحم
الرحمن!

ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران

خرداد ماه ۱۴۰۴

به منظور روشننگری حقوقی و تبیین واقعیت‌های میدانی مربوط به وقایع سال ۱۴۰۴ و با اذعان به نقش برجسته روایت سازی‌ها در جابجا کردن جایگاه «شهید و جلا» ناگزیر از بررسی ادعاهای مطرح شده در روایت برساخته از سوی شورای حقوق بشر هستیم. شورای حقوق بشر در نشست ویژه خود در خصوص ایران در تاریخ سوم بهمن ماه ۱۴۰۴ ناآرامی‌های دیمه را به صورت کلی و یکپارچه ذیل عنوان «اعتراضات مسالمت آمیز مردمی» توصیف کرده است، بدون آنکه به کشتار، ترور اشخاص، حملات مسلحانه، تخریب گسترده اموال عمومی و خصوصی و هدف‌گیری مراکز نظامی و امنیتی که در جریان این وقایع توسط عناصر تروریستی رخ داده است، توجهی متناسب داشته باشد.

هدف روشننگرانه این گزارش، اصلاح این چارچوب تحلیلی نادرست و بازگرداندن بحث به معیارهای پذیرفته شده حقوق بشر و حقوق بین‌الملل کیفری است. از منظر حقوق بشر، هرچند حق اعتراض مسالمت‌آمیز به‌عنوان حقی بنیادین مورد شناسایی قرار گرفته، اما این حق به هیچ‌وجه شامل اقداماتی نظیر قتل و کشتار، ترور مقامات و شهروندان، استفاده از سلاح گرم و سرد، حملات مسلحانه به مراکز نظامی و امنیتی، تخریب سازمان‌یافته اموال عمومی و خصوصی و ایجاد رعب و وحشت عمومی نمی‌شود. چنین اقداماتی به صراحت از قلمرو اعتراض خارج بوده و در چارچوب اقدامات تروریستی و خشونت سازمان‌یافته قابل تحلیل است.

با توجه به سابقه شناخته شده اغتشاشات خشونت‌آمیز در ایران در سال‌های گذشته و الگوهای تکرارشونده‌ای که همواره با ترور، تخریب زیرساخت‌ها، حملات هدفمند به مراکز حاکمیتی و بهره‌گیری از سلاح برای بی‌ثبات‌سازی امنیت عمومی همراه بوده‌اند، وقایع سال ۱۴۰۴ نیز در بخش قابل توجهی واجد همان شاخص‌های تروریسم بوده‌اند. استمرار این الگوها نشان می‌دهد که با مجموعه‌ای از کنش‌های صرفاً اعتراضی مواجه نیستیم، بلکه با خشونت‌های هدفمند و سازمان‌یافته روبه‌رو هستیم که مستقیماً جان شهروندان و امنیت عمومی را هدف قرار داده است.

کارکرد این گزارش در چارچوب روشنگری عبارت است از:

- تبیین ماهیت تروریستی اقدامات خشونت‌آمیز شامل کشتار، ترور، حملات مسلحانه و تخریب گسترده؛
- رد روایت اعتراض صرفاً مسالمت‌آمیز مردمی که با نادیده گرفتن خشونت‌ها، به تطهیر خشونت و تروریسم منجر می‌شود؛
- صیانت از مفهوم حقوق بشر در برابر استفاده ابزاری برای توجیه قتل، تخریب و ارباب؛
- تثبیت حق و تکلیف دولت در مقابله با تروریسم داخلی به‌عنوان بخشی از تعهدات مثبت دولت در حفاظت از حق حیات، امنیت و کرامت عامه شهروندان.
- تصریح به وجود مقدمات قانونی و ساختاری لازم برای ایفای حق دادرسی عادلانه در رسیدگی به پرونده‌های متهمین جهت تمیز بین معترض و تروریست.

این گزارش تأکید می‌کند که روشنگری درباره کشتار، ترور، تخریب اموال و حملات مسلحانه رخ داده در جریان این وقایع، نه نفی حقوق مشروع شهروندان، بلکه پیش‌شرط دفاع مؤثر از حقوق بشر و حقوق شهروندی است.

ماهیت تروریسم در حقوق ایران و بین‌الملل

۱. شناسایی تروریسم در نظام حقوق بین‌الملل

حقوق بین‌الملل، تروریسم را یک جرم بین‌المللی یا فراملی می‌داند و آن را به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌کند که با هدف ایجاد رعب و وحشت عمومی، تهدید امنیت جامعه و اجبار دولت یا مردم به انجام یا ترک یک عمل، از طریق خشونت سازمان‌یافته و معمولاً علیه غیرنظامیان صورت می‌گیرد. این تعریف در کنوانسیون‌ها و معاهدات

بین‌المللی مبارزه با تروریسم، از جمله کنوانسیون‌های سازمان ملل در حوزه حفاظت از مقامات رسمی، حملات به زیرساخت‌های حیاتی و حمایت از قربانیان تروریسم، همچنین در قطعنامه‌های شورای امنیت مورد تصریح قرار گرفته است.

ویژگی‌های اصلی اقدام تروریستی عبارتند از:

- خشونت سازمان‌یافته و هدفمند
- تهدید امنیت عمومی
- ایجاد رعب و وحشت عمومی
- تأثیر بر اراده دولت یا مردم

۲. شناسایی مفهوم تروریسم در نظام حقوقی ایران

در قوانین داخلی ایران، اقداماتی که واجد ویژگی‌های خشونت گسترده، تهدید جان شهروندان، تخریب اماکن عمومی و ایجاد رعب و وحشت گسترده باشد، در زمره جرایم تروریستی تعریف شده است. قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و آیین‌نامه‌های مرتبط، مصادیق زیر را به صراحت شامل می‌شود:

- ترور و هدف‌گیری مقامات رسمی و نیروهای امنیتی
- حملات مسلحانه به اماکن عمومی، دولتی و زیرساخت‌های حیاتی
- تهدید و آسیب به غیرنظامیان و مردم عادی
- ایجاد وحشت و رعب جمعی

تفکیک اقدام سیاسی از تروریسم:

تطبیق تعریف تروریسم با واقعیات میدانی اغتشاشات دیماه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که ادعای مسالمت آمیز بودن اعتراضات، واهی بوده و اقدامات تروریستی همچنان در چارچوب حقوق ایران و مطابق با حقوق بین‌الملل قابل پیگرد و مجازات هستند. لیکن باید تصریح گردد جریان همسو با تروریسم در روایت سازی خود، ضمن نادیده گرفتن وجه خشونت بار اقدامات سازمان یافته این انتظار را در اذهان می‌پروراند که با دستگیرشدگان باید همچون مجرمین سیاسی برخورد گردد. حال آنکه نه تروریست با مخالف سیاسی یکسان است و نه مجازات تروریسم با جرم سیاسی برابر است. مؤید این تفکیک، آن دسته از اپوزیسیون و مخالفین نظام سیاسی ایران هستند که چه در داخل و چه در خارج کشور موضعی بر ضد جنگ طلبان و تجزیه طلبان تروریست اتخاذ کردند یا آن دسته از اقشار مردم که علیرغم عدم تمکن مالی و با وجود اعتراض به اوضاع معیشتی حاضر به همراهی با تروریست‌ها نشده و مورد آزار و هجمه از سوی آنها قرار گرفتند.

شاخص جرایم سیاسی:

- علیه نظام سیاسی یا حاکمیت یک دولت انجام می‌شود
- معمولاً خشونت‌بار نیستند یا اگر هستند، متوجه دولت است نه مردم
- هدف آنها تغییر سیاسی، اعتراض یا مخالفت است.

در جریان اعتراضات به اصطلاح معیشتی، اهانت به کلیسای آرامنه و الگوی تکرارشونده تخریب فروشگاه‌های مواد غذایی علاوه بر تخریب و آتش زدن اموالی که کاملاً جنبه عمومی و خدماتی داشته‌اند نظیر آمبولانسها، اتوبوس‌های حمل و نقل شهری و بانکها در سراسر کشور که اثر سوء بر تأمین نیازهای معیشتی و ضروری شهروندان دارد، چه طور می‌تواند اقدامی صرفاً سیاسی تلقی شود؟!

بدیهی است که اصل بازدارندگی مجازات‌ها ایجاب می‌کند، تروریست‌ها با مجازات‌های سنگین و سختگیرانه مواجه شده و از امتیازات مجرمان سیاسی نظیر پناهندگی سیاسی محروم باشند. لذا جمهوری اسلامی ایران طبق اصل مهم «یا محاکمه کن یا مسترد کن»، از کشورهایی که تروریست‌های متواری و سرکردگان ایشان را در خود پناه داده اند می‌خواهد آنها را بی‌کیفر نگذارند چرا که امنیت امری جهانی و به هم پیوسته است و ممکن نیست با به خطر افتادنش در ایران، سایر نقاط جهان در امنیت کامل باقی بمانند.

تفکیک اعتراض مسالمت آمیز از تروریسم

- تعریف حقوقی اعتراض مسالمت آمیز

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق تجمع و اعتراض مسالمت آمیز به عنوان یک حق بنیادین پذیرفته شده است. این حق زمانی مشروع است که فاقد خشونت، تهدید، اعمال آسیب به دیگران و تخریب اموال باشد. اعتراض مسالمت آمیز در نظام حقوق بین الملل یک اقدام سیاسی و از مصادیق مشارکت مدنی تلقی می‌شود که دولت‌ها موظفاند از آن محافظت کنند. اعتراض مسالمت آمیز، حتی اگر به صورت گسترده برگزار شود، تا زمانی مشروع است که از معیارهای ذیل تبعیت کند.

- شاخص‌های اعتراض مسالمت آمیز:

- استفاده از صدای بدون خشونت و بیان خواسته‌ها

- عدم توسل به سلاح سرد یا گرم

- عدم تخریب یا تهدید اموال عمومی و خصوصی

- احترام به حقوق دیگر شهروندان و نیروهای انتظامی

- الگوی خشونت در وقایع ۱۴۰۴: خروج از چارچوب اعتراض

بخش قابل توجهی از وقایع سال ۱۴۰۴، نشانه‌های روشن خروج از چارچوب اعتراض مسالمت آمیز داشته و واجد عناصر خشونت سازمان یافته و تروریسم بوده است. این شاخص‌ها بر اساس اسناد حقوق بین‌الملل کیفری و معیارهای پذیرفته شده حقوق بشر شامل موارد زیر است:

- استفاده از سلاح گرم، سرد و مواد آتش‌زا در حملات

- سازمان یافتگی اقدامات خشونت آمیز

شواهد اطلاعاتی، قضایی و میدانی حاکی از آن است که برخی از عناصر فعال در اقدامات خشونت‌آمیز دارای ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با گروه‌های تروریستی شناخته‌شده بوده‌اند؛ از حمایت رسانه‌ای، مالی یا آموزشی گروه‌های تروریستی خارج از کشور برخوردار شده‌اند و در چارچوب شبکه‌های سازمان‌یافته (و نه کنش‌های فردی یا خودجوش) عمل کرده‌اند. این ارتباطات، ماهیت وقایع را از سطح نارضایتی اجتماعی فراتر برده و آن را به بخشی از پروژه بی‌ثبات‌سازی امنیت داخلی تبدیل کرده است.

- حمله به نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی

اقدامات خشونت‌بار شامل جنایات داعش‌گونه نظیر سوزاندن افراد در آتش، سر بریدن و کارد آجین کردن نیز بوده است که شدت خشونت سازمان‌یافته را نمایان می‌کند.

- حمله به مراکز نظامی، انتظامی و امنیتی

- ایجاد رعب و وحشت عمومی

حمله به کسبه‌ای که در جریان اعتراضات دیماه ۱۴۰۴ کسب و کار خود را تعطیل نکرده بودند و تخریب مغازه و محل زندگی این افراد، همچنین تهدید جانی و حمله به محل سکونت و محل کار افرادی که علیه ماهیت تروریستی این اقدامات واکنش نشان داده بودند، همگی در راستای حاکمیت فضای رعب و اختناق و تأثیر بر اراده مخالفین و دولت به منظور همراهی با اغتشاشگران انجام گرفته است.

- تخریب گسترده اموال عمومی و خصوصی

آسیب‌دیدگی یا تخریب کامل ۳۰۵ دستگاه آمبولانس، ۲۴ جایگاه سوخت، ۷۰۰ فروشگاه محلی، ۳۰۰ واحد مسکونی، ۷۵۰ بانک، ۴۱۴ ساختمان دولتی، ۷۴۹ کلانتری نیروی انتظامی، ۱۲۰ مرکز بسیج سپاه پاسداران، ۲۰۰ مدرسه، ۳۵۰ مسجد، ۱۵ کتابخانه، ۲ کلیسای ارامنه، ۲۵۳ ایستگاه اتوبوس، ۶۰۰ دستگاه خودپرداز و ۸۰۰ خودروی شخصی.

• ترور افراد، از جمله مقامات و شهروندان غیرمسلح

از شاخص‌ترین نمونه‌ها: ترور دادستان اسفراین و قتل کودک سه‌ساله در کرمانشاه بوده است. در مجموع، از ۳۱۱۷ نفر جان‌باخته در این حوادث، ۲۴۲۷ نفر شامل شهروندان عابر و حافظان نظم و امنیت بوده‌اند. این آمار نشان‌دهنده ماهیت ضدانسانی و خشونت سازمان‌یافته اقدامات است.

دادرسی کیفری در ایران؛ نه مماشات نه بی‌عدالتی!

با توجه به مطالب گفته شده فوق، بدیهی است جمهوری اسلامی ایران خود را نه فقط محق، بلکه مکلف می‌داند که با تروریسم داخلی مقابله کند. جمهوری اسلامی ایران این تکلیف را در چارچوب بخشی از تعهدات مثبت خود در حفاظت از حق حیات، امنیت و کرامت عامه شهروندان اجرا می‌کند فلذا به وجود مقدمات قانونی و ساختاری لازم برای ایفای حق دادرسی عادلانه در رسیدگی به پرونده‌های متهمین جهت تمیز بین معترض و تروریست تصریح می‌کند.

شناسایی حق دادرسی عادلانه در قوانین ایران

(۱) حق دسترسی به وکیل:

دسترسی به وکیل برای طرفین دعوی یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های دسترسی به عدالت محسوب شده و در نظریه تفسیری ۳۲ کمیته حقوق بشر نیز به آن تأکید شده است. قوانین ایران در عالی‌ترین سطح (اصل ۳۵ قانون اساسی) حق انتخاب وکیل را به رسمیت شناخته است. طبق ماده ۳۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند.» ماده ۴۸ این قانون، زمان دسترسی به وکیل را با شروع تحت نظر قرار گرفتن تعیین کرده است. به‌طوریکه «سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه ۸ و ۳ است.» همچنین «در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.» بنابراین یکی از ابتکارات و تحولات حمایتی و ارتقایی نظام قضایی ایران معاضدت‌های قضایی رایگان به اقشار مختلف جامعه است. در این راستا می‌توان به ماده ۲۳ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ اشاره نمود که قبول دعوای حقوقی

در سال برای وکلا را به عنوان معاضدت تعیین نموده است. حق برگزیدن «وکیل تعیینی» و حق داشتن «وکیل تسخیری و معاضدتی»، بیانگر اهمیت نقش وکیل در تعیین سرنوشت احقاق حقوق در جامعه و اثر غیر قابل انکار آن در دادرسی منصفانه و مبتنی بر عدالت می‌باشد که در قانون بر آن تأکید شده است.

در راستای تضمین موسّع حق دسترسی به وکیل در ماده ۱۲ سند امنیت قضایی مصوب سال ۱۳۹۹ آمده است که «الف) اشخاص حق دارند از بدو تا ختم فرایند دادرسی در کلیه مراجع رسیدگی کننده اعم از مراجع قضایی و شبه قضایی آزادانه وکیل انتخاب کنند. تحمیل وکیل یا تحدید حق آزادی انتخاب وکیل ممنوع است. ب) در نظام اسلامی وظیفه وکلا دفاع از موکل در جهت احقاق حق است و با توجه به نقش مهمی که وکلا در نظام قضایی و اجرای عدالت بر عهده دارند باید از تعقیب به سبب دفاع از حقوق موکل مصون بوده و بتوانند به صورت مستقل و فارغ از هرگونه فشار سیاسی داخلی و خارجی، تهدید و آزار و اذیت به فعالیت بپردازند. پ) قوه قضاییه برای اشخاصی که قادر به پرداخت هزینه خدمات حقوقی اعم از مشاوره و وکالت یا کارشناسی یا داوری اجباری نیستند امکان بهره‌مندی از این خدمات را به طور رایگان یا ارزان تر فراهم می‌کند.» همچنین ماده ۲۶ این سند مقرر می‌دارد «متهم باید از شرایط مناسب جهت تهیه و ارائه دفاع در فرصت کافی و مهلت معقول برخوردار باشد و بتواند از مشاوره و انتخاب و داشتن وکیل و ارتباط با وی، مطالعه پرونده بهره‌مند و به شهود یا مطلعین یا کارشناسان پرونده دسترسی داشته و از وضعیت روحی و جسمی مناسب برای ارائه دلایل و دفاع برخوردار باشد.»

۲) علنی بودن دادرسی:

در خصوص اصل علنی بودن رسیدگی‌ها در نظام حقوقی ایران باید اشاره نمود علنی بودن رسیدگی‌ها خصوصاً در امور کیفری، اصلی است که موجبات افزایش کارایی و پاسخگویی را به همراه خواهد داشت. اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شناسایی کننده این اصل محسوب می‌شوند.

۳) چند مرحله‌ای بودن دادرسی:

یکی از مؤلفه‌ها و محورهای ارتقاء عدالت در رسیدگی، چند مرحله‌ای بودن رسیدگی‌ها در پرونده‌های مختلف است؛ بدین منظور رسیدگی‌ها در نظام قضایی ایران اصولاً دو مرحله است و در موارد جدی‌ترین جرایم (Most serious crimes) که مجازات آنها اعدام است، فرآیند رسیدگی سه مرحله‌ای می‌باشد. اعاده دادرسی یکی از راههای اعتراض و شکایت نسبت به آراء قطعی است. به دیگر بیان با اعاده دادرسی تنها می‌توان نسبت به آراء قطعی اعتراض نمود و فرقی ندارد که از چه محکمه‌ای صادر شده باشد؛ بدوی یا تجدید نظر. همچنین جهات اعاده دادرسی در پرونده‌های کیفری وفق ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی (۱۳۹۴) به قرار ذیل است:

- کسی به اتهام قتل شخصی محکوم گردد و سپس زنده بودن او محرز شود.
- چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم گردند و ارتکاب آن جرم به گونه‌ای است که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قائل شد.
- شخصی به دلیل انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی به علت انتساب همان جرم محکوم شود، به صورتی که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم بی‌گناهی یکی از آنان احراز شود.
- درباره شخصی به اتهام واحد احکام متفاوتی صادر گردد.
- در دادگاه صالح ثابت کنند که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است.
- بعد از صدور حکم قطعی واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه گردد که باعث اثبات بی‌گناهی محکوم علیه یا عدم تقصیر او شود.
- عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیشتر از مجازات مقرر قانونی باشد.

۴) منع بازداشت خودسرانه و لزوم تصمیم قضایی مبنی بر بازداشت:

هنگامی که فرد توسط ضابطین دستگیر می‌شود در اصطلاح حقوقی، تحت نظر قرار می‌گیرد. بازداشت امری است که صرفاً در اختیار مقام قضایی است و مأموران چنین اختیاری ندارند. بازداشت فرد تنها در مرحله تحقیقات مقدماتی و تنها توسط مقام قضایی با دستور بازداشت موقت ممکن خواهد بود. بر اساس قانون، نهایت مدتی که متهم ممکن است توسط ضابطین تحت نظر قرار بگیرد ۲۴ ساعت است. پس از آن حتماً باید متهم توسط دادستان تعیین تکلیف شده،

آزاد شود یا قرار تأمین مناسب برای او صادر گردد. سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۹ در خصوص منع بازداشت خودسرانه در ماده ۲۴ ذیل عنوان «منع بازداشت غیرقانونی و خودسرانه» مقرر می‌دارد: «هر شخص حق دارد از زندگی و آزادی و امنیت در سایه امنیت قضایی برخوردار باشد. هیچ کس را نمی‌توان بازداشت یا الزام به تبعید یا اقامت اجباری کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین کرده است. قضات موظفند موارد زیر را در فرایند دادرسی رعایت نمایند. در غیر این صورت از مصادیق بازداشت غیرقانونی یا خودسرانه به حساب می‌آید: الف) قرار کفالت یا وثیقه باید به نحوی صادر شود که متهم فرصت کافی برای تسلیم کفیل یا وثیقه در ساعات اداری همان روز داشته باشد. به این منظور، نباید به دلیل عدم ارائه خدمات اداری که دلایل آن منتسب به خود شخص نیست و به طولانی شدن بازداشت متهم منجر می‌شود، صدور قرار قبولی کفالت و یا وثیقه به تعویق افتد. ب) مدت بازداشت باید معقول و متناسب با عمل ارتكابی یا اتهام باشد و تمدید مدت بازداشت فقط در صورت احراز ضرورت آن موجه است. پ) ضابطان دستگیر کننده باید در اسرع وقت خانواده شخص بازداشت شده را به طریق مقتضی از اصل بازداشت و محل آن مطلع کنند. همچنین در صورت تغییر محل بازداشت، این امر باید به اطلاع خانواده شخص برسد. ت) در صورتی که شخص بازداشت شده تبعه دولت بیگانه باشد، قوه قضاییه بازداشت وی را از طریق وزارت امور خارجه به سفارتخانه یا دفتر حافظ منافع کشور تبعه بازداشت شده اطلاع می‌دهد. مأموران کنسولی آن دولت حق دارند از طریق وزارت امور خارجه درخواست خود مبنی بر ملاقات، مذاکره، مکاتبه و یا ترتیبات لازم برای نمایندگی قانونی فرد بازداشت شده را به قوه قضاییه ارسال نمایند. شخص بازداشت شده خارجی از تمامی حقوق قانونی برابر با سایر اشخاص برخوردار است. ث) فرد بازداشت شده در اسرع وقت و همزمان با پذیرش در محل بازداشت باید مورد معاینه پزشکی مناسب قرار گیرد و پس از آن مراقبت و درمان پزشکی در هنگام لزوم برای وی فراهم شود. این مراقبت و درمان باید رایگان باشد. ج) هنگامی که فرد در بازداشت، مورد معاینه پزشکی قرار می‌گیرد، نام پزشک و نتایج معاینه باید به طور کامل ثبت شود. فرد بازداشت شده یا وکیل وی در صورت تقاضا باید به پرونده پزشکی دسترسی داشته باشند. فرد بازداشت شده یا وکیل وی حق دارد از مقام قضایی معاینه مجدد یا نظر پزشک دیگری را درخواست کند. چ) بازرسی بدنی بدون لباس، ممنوع است مگر در صورت ضرورت قطعی و در هر صورت باید با رعایت دقیق موازین شرعی انجام شود. بازرسی با شرایط فوق باید فقط از سوی متخصصان مراقبت‌های بهداشتی یا حداقل کارکنانی انجام شود که به خوبی از طرف متخصصان پزشکی مطابق استانداردهای بهداشتی سلامتی و ایمنی آموزش دیده باشند. ح) قوه قضاییه در طول مدتی که فرد در اماکن تحت نظر این قوه یا سازمان‌های وابسته به آن بازداشت است، شرایط مناسب را از نظر امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی و غیره فراهم کند؛ به نحوی که کرامت انسانی افراد حفظ شود. خ) نگهداری فرد در بازداشت به گونه‌ای که

وی به طور موقت یا دائم از استفاده از حس‌های طبیعی خود مانند دیدن یا شنیدن یا آگاهی از مکان و گذشت زمان محروم شود، نقض کرامت انسانی و مقررات به حساب می‌آید».

۵) حق تماس متهم با خانواده و اطلاع ایشان از وضعیت فرد:

بر اساس ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن خود آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند. مگر آن که بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند. همچنین اسامی متهمین تحت نظر هر روزه باید به رییس کل دادگستری استان مربوط اعلام شده تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور، از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است.

۶) حق متهم بر معاینه پزشکی:

بر اساس ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود. این کار از آن جهت مهم است که در صورتی که بعداً متهم در مورد ضرب و شتم توسط ظابطین در هنگام بازداشت و یا بعد از آن ادعایی داشته باشد می‌تواند مورد نظر قاضی قرار بگیرد.

۷) حق اطلاع متهم از حقوق دفاعی خویش به شکل مکتوب:

بر اساس ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند، رسید آن را دریافت و ضمیمه پرونده کنند.

۸) حق سکوت متهم در برابر سوالات:

بر اساس اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. بنابراین مشاهده می‌شود که گرفتن اقرار به زور یا هر وسیله دیگر از فرد مقذور نیست و این اقرار فاقد وجهت قانونی است. متهم حق دارد در برابر سوالات بازپرس سکوت کند و این بازپرس است که باید ادله خود را مبنی بر مجرمیت فرد اقامه کند. همچنین قانونگذار در ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً بیان داشته که متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات در صورت مجلس قید می‌شود. البته باید توجه داشت که سکوت در برابر تحقیقات باید با مشورت وکیل صورت بگیرد زیرا ممکن است آثار خاصی داشته باشد.

